

Identification of Alternative and Substitute Obligations in the Judgments of the Administrative Justice Court

Ali Ghesmati Tabrizi¹ 

1. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Semnan University, Iran,
ali_ghesmati@semnan.ac.ir

Article Info

Article type:
Scientific Article

Received:
2025/08/15

Received in revised form:
2025/09/11

Accepted:
2025/09/17

Keywords:

Free Education, Obligation to Work, Alternative Obligation, Substitute Obligation, Non-retroactivity of Laws.

Abstract

The classification of obligations into “alternative” (takhyīrī) and “substitute” (badalī) is a subject that, despite its scholarly elaboration in legal writings, has seldom been employed in judicial decisions and seems to have been consigned to oblivion in the recesses of underused legal terminology. Although legal scholars tend to confine the definitions of these obligations to a few oft repeated examples, a closer examination of statutes and legal relationships reveals numerous instances that can be identified and illustrated within this framework. On the other hand, it is generally assumed that, since legal rules in public law are of a mandatory nature, the distinction between alternative and substitute obligations is of little significance in this domain and should instead be examined within the realm of private relations of individuals. Nevertheless, apart from the fact that various statutory provisions do, in certain circumstances, grant the government or executive authorities vis à vis the governed (and occasionally vice versa), a right of choice or legal option, the prevailing private law orientation in the structure of the Iranian legal system suggests that judges of the Administrative Justice Court have—albeit without explicit reference to these terms—been influenced by the subtle operation of these concepts in constructing the legal basis of relations between the state and citizens. A notable example in this regard is the possibility of buying out the obligation to work provided under the “Legal Bill for the Amendment of Articles 7 and 8 of the Act on the Provision of Facilities and Means of Education for Iranian Children and Youths.” The implementation of this legislative mechanism has engendered a variety of legal issues and prompted numerous administrative lawsuits before the Administrative Justice Court. The present study seeks to examine the Court’s jurisprudence regarding the legal nature of the obligation to serve under the aforementioned legal bill and to analyze how the concepts of alternative and substitute obligations may apply thereto.

How To Cite

Ghesmati Tabrizi, Ali. (2026). Identification of Alternative and Substitute Obligations in the Judgments of the Administrative Justice Court. *Journal of Judgment*, 124(4), 89-108. <http://doi.org/10.22034/judg.2025.2069028.1566>

DOI

[10.22034/judg.2025.2069028.1566](https://doi.org/10.22034/judg.2025.2069028.1566)



©2025 The Author(s): This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, As long as the original authors and sources are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

Publisher

Publications of the Judiciary of Tehran Province

شناسایی تعهدات تخیری و بدلی در آرای دیوان عدالت اداری

علی قسمتی تبریزی^۱

۱. استادیار حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سمنان، سمنان، رایانامه:

ali_ghesmati@semnan.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: علمی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۴</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۲۰</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶</p> <p>کلیدواژه: آموزش رایگان، تعهد به خدمت، تعهد تخیری، تعهد بدلی، عطف به ماسبق نشدن مقررات.</p>	<p>تفکیک تعهدات به «تخیری» و «بدلی» از مباحثی است که با وجود تبیین علمی در نوشتارهای حقوقی، کمتر در آرای قضایی به کار گرفته می‌شود و در بیعوه غلطت واژگان حقوقی، به فراموشی سپرده شده است. هر چند نویسندگان تعرفه این قسم از تعهدات را صرفاً به چند نمونه تکراری فرو می‌کاهند، اما با تأمل در قوانین و روابط حقوقی می‌توان، مصادیق متعددی برای آن شناسایی و بازنمایی کرد. از سوی دیگر و با توجه به اینکه اساساً قوانین در حقوق عمومی آمره هستند، غالباً تصور می‌شود که تفکیک تعهدات «تخیری» و «بدلی» نیز کمتر در این عرصه به کار می‌آید و این تقسیم صرفاً باید در زمینه روابط خصوصی اشخاص مطالعه شود. با این حال صرف نظر از اینکه در مقررات گوناگون، حق انتخاب و تخیر قانونی برای حاکمیت و دستگاه‌های اجرایی در برابر مخاطبان (و گاه برعکس) پیش‌بینی شده است، اما با توجه به غلبه تفکر حقوق خصوصی بر ساختار نظام حقوقی ایران به نظر می‌رسد که قضاوت دیوان عدالت اداری نیز بدون به‌کارگیری واژگان یادشده، در مواردی از نقش ناملموس این مفاهیم در تمهید مبنای حقوقی در روابط دولت و شهروندان تأثیر پذیرفته‌اند. در این خصوص می‌توان به امکان «خرید تعهد خدمت» موضوع «لایحه قانونی اصلاح مواد ۷ و ۸ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی» اشاره کرد که اجرای آن مسائل حقوقی مختلفی را باعث شده و موجب شکایات متعدد در دیوان عدالت اداری شده است. بررسی رویه دیوان عدالت در خصوص ماهیت تعهد به خدمت در این لایحه قانونی و انطباق مفهوم تعهد تخیری یا بدلی در مورد آن، موضوع مطالعه حاضر است.</p>
<p>استاد</p>	<p>قسمتی تبریزی، علی. (۱۴۰۴). شناسایی تعهدات تخیری و بدلی در آرای دیوان عدالت اداری، فصلنامه قضاوت، ۱۲۴(۴)، ۸۹-۱۰۸.</p>
<p>DOI</p>	<p>http://doi.org/10.22034/judg.2025.2069028.1566</p>
<p>ناشر</p>	<p>انتشارات دادگستری کل استان تهران</p>



مقدمه

التزام به ایفای خدمت، در زمره مصادیق تعهد به فعل انگاشته می‌شود که معمولاً قائم به شخص متعهد است. افزون بر مسائل حقوقی‌ای که پیش‌بینی چنین تعهدی را در روابط خصوصی اشخاص یا در ارتباط میان دولت و شهروندان برمی‌انگیزد؛ ضمانت اجرای این التزام نیز در فرض استنکاف متعهد، شایسته تأمل و بررسی است. هرچند روشن است که اگر متعهد با میل و رغبت خدمت معهود را اجرا نکند، (با توجه به آزادی‌های فردی) نباید و نمی‌توان چیزی فراتر از دعوی الزام و مطالبه اجرای رأی محکومیت احتمالی یا هزینه ایفای تعهد از سوی ثالث یا فسخ قرارداد و مطالبه غرامت را انتظار داشت؛ اما پرسش این است که آیا طلبکار می‌تواند با اجتناب از فک و وثایق متعهد، او را همانند حق حبس تحت فشار قرار دهد؟ پاسخ در نگاه نخست به‌ویژه در مواردی مانند خودداری از آزادسازی تضامین مالی یا اسناد متعهد، مثبت به نظر می‌رسد. با این حال، این دیدگاه با این ایراد مواجه است که گاه تضامین و مدارک توثیق‌شده، تجلی شخصیت یا سند هویتی متعهد شمرده می‌شوند (مانند شناسنامه) یا بیانگر تلاش، دانش و تخصص او هستند (مثل دانشنامه تحصیلی یا گواهی تخصصی و حرفه‌ای). بنابراین اظهار نظر دقیق در این خصوص، وابسته به تعریف نوع رابطه حقوقی طرفین، ماهیت تعهد، تعیین یا ابهام خدمت معهود و دیگر موارد است و حسب مورد با توجه به ضوابط حقوق عمومی یا خصوصی متفاوت خواهد بود.

دیوان عدالت اداری نیز متعاقب شکایات متعدد و متنوع، به اظهار نظر در خصوص «تعهد به خدمت» در ارتباط دولت و مردم مجبور شده است.^۱ یکی از مصادیق این شکایات، مسئله «تعهد خدمت در کشور» است که در «لایحه قانونی اصلاح مواد ۷ و ۸ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی» (مصوب ۱۳۵۸) پیش‌بینی شده است و مواردی را نیز درباره «خرید تعهد آموزش رایگان» برای آزادسازی مدرک تحصیلی مطرح می‌کند. شناسایی ماهیت تعهد خدمت در رابطه با جایگزین آن (پرداخت هزینه)، زمان ارزیابی هزینه‌ها، عطف به ماسبق نشدن مقررات، متعهدله تعهد و ذی‌نفع حق انتخاب بدل تعهد خدمت در کشور یا محل معین، موجب طرح شکایات متعدد و رسیدگی شعب یا هیئت‌های تخصصی و عمومی دیوان عدالت شده است.

۱. از جمله دادنامه‌های شماره ۱۳۲۹ مورخ ۱۳۷۸/۰۷/۰۲، شماره ۱۳۰۵۸ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۲۳، شماره ۱۱۸ الی ۱۲۰ مورخ ۱۴۰۱/۱/۲۰، شماره ۳۲۶ و ۳۲۷ مورخ ۱۴۰۱/۲/۲۰، شماره ۳۸۳۳۵ مورخ ۱۴۰۲/۳/۱۹، شماره ۵۲۶ مورخ ۱۴۰۱/۳/۲۴، شماره ۹۵۲ مورخ ۱۴۰۱/۵/۲۵، شماره ۲۷۶۴ مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۹، شماره ۴۳۳۹ مورخ ۱۴۰۲/۳/۹ و شماره ۱۶۹۳۰۸۱ مورخ ۱۴۰۳/۷/۱۷ هیئت عمومی در خصوص بطلان اخذ تعهد خدمت ده‌ساله (بدون مجوز قانونی) در محل جغرافیایی مورد تقاضا در آزمون استخدامی متمرکز دستگاه‌های اجرایی، آزمون استخدامی کادر اداری قوه قضائیه و همچنین برای استخدام در وزارت آموزش و پرورش.

از جمله این موارد، دادنامه‌ای است که هیئت عمومی دیوان عدالت اداری درباره شکایتی ناظر به ابطال مقررهای در زمینه خرید تعهد آموزش رایگان صادر کرده است. این مرجع برخلاف برخی موارد مشابه، در این پرونده درصدد تمهید استدلال بر مبنای حقوق خصوصی است. بدون بررسی این رویکرد و در راستای تصحیح و تکمیل استدلال دادنامه مذکور، به نظر می‌رسد که رأی مختار دیوان بر مبنای تقسیم تعهدات به «تخیری و بدلی» قابل تطبیق و توجیه باشد. به دیگر سخن در خصوص آثار تعهد خدمت در قبال برخورداری از آموزش رایگان، نزاع بر سر این است که این تعهد تخیری است یا بدلی؛ مبنایی که دیوان عدالت آن را شناسایی کرده، اما در تطبیق آن اهتمام نداشته است. بنابراین در این نوشتار کوتاه، پس از ملاحظه موضوع شکایت و رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، وضعیت قانونی ناظر بر آن بررسی می‌شود. همچنین با نگاهی مختصر به مفهوم تعهدات «تخیری» و «بدلی» و امکان قانونی اعمال تخیر از سوی دولت و متقابلاً شهروندان در مواجهه با قدرت عمومی، دادنامه صادره نیز در مقایسه با آرای دیوان در موارد مشابه تحلیل و نقد می‌شود.

۱. موضوع شکایت و دادنامه صادره^۱

شاکیان متعدد به موجب دادخواست‌های جداگانه به طرفیت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سازمان امور دانشجویان، خواسته‌های مختلف از جمله ابطال نامه شماره ۴/۱۱۲۸۸۵ مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۰۷ (که متضمن افزایش مبلغ لغو هزینه آموزش رایگان است) را خواستار شده و در راستای تبیین خواسته اعلام کرده‌اند: «در فراز پایانی نامه مورد شکایت مقرر شده است که هزینه‌های لغو تعهد خدمت آموزش رایگان دانشجویان و دانش‌آموختگان سنوات گذشته که قصد لغو تعهد خدمت از تاریخ ۱۴۰۱/۰۹/۰۷ را دارند، باید مطابق جدول تعرفه ابلاغی جدید پرداخت گردد. این امر که مقررهای به زمان گذشته تسری یابد مغایر اصل عطف به ماسبق نشدن مقررات است».

حسب پاسخ طرف شکایت: «... به موجب ماده ۷ لایحه قانونی اصلاح مواد ۷ و ۸ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی» و ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی لایحه مذکور و همچنین دستورالعمل جامع ایفای تعهد خدمت آموزش رایگان (مورخ ۱۳۹۶) دانشجویانی که از تحصیلات رایگان استفاده کنند، مکلف‌اند برابر مدت تحصیل رایگان در کشور خدمت نمایند و در صورت استتکاف از خدمت، مکلف به پرداخت هزینه مربوط به آموزش رایگان (به تناسب مدتی که خدمت نکرده‌اند) به دولت می‌باشند. بنابراین در صورتی که دانشجویان از خدمات آموزش رایگان

۱. دادنامه شماره ۱۴۰۲۳۱۳۹۰۰۰۲۵۲۴۰۳۹ مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۲۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

بهره‌مند شده باشد، تعهد اصلی او انجام خدمت در کشور است و در فرض استنکاف از انجام تعهد، پرداخت هزینه‌های تحصیل به‌عنوان بدل از تعهد اصلی محسوب می‌شود. لذا تعهد دانش‌آموخته تنها یک موضوع دارد و آن انجام خدمت در داخل کشور است. لکن به ایشان اختیار داده می‌شود با تأدیة وجه (بدل تعهد) ذمه خود را بری نمایند و برائت در این فرض نتیجه اجرای تعهد محسوب نمی‌شود. با توجه به مشخص بودن موضوع تعهد (انجام خدمت)، گزینش بدل (خرید تعهد) تنها در هنگام اجرای تعهد (تأدیة وجه) صورت می‌گیرد و نه هنگام اشتغال ذمه متعهد (زمان ثبت نام) و تابع ضوابط ناظر بر زمان پرداخت وجه (بدل انجام تعهد) خواهد بود. در واقع استنکاف از انجام خدمت در داخل کشور و تصمیم به پرداخت هزینه‌های تحصیل به گذشته سرایت نمی‌کند تا موجب شود ضوابط و هزینه‌های زمان ثبت نام ملاک عمل قرار گیرد».

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۲۸ پس از بحث و بررسی با اکثریت آرا به این شرح رأی صادر کرده است: «اولاً ایفای تعهد ناظر به اشخاصی است که برابر ماده ۷ لایحه قانونی اصلاح مواد ۷ و ۸ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی، موجبات ایفای تعهد ایشان منتفی نشده و کماکان اعتبار تعهد به قوت خود باقی است. ثانیاً موضوعیت ماده ۷ لایحه قانونی مزبور، انجام و ایفای تعهد در قبال تحصیل رایگان است، مگر با امتناع متعهد و نتیجتاً تبدیل تعهد به پرداخت هزینه به‌عنوان بدل از تعهد که در این صورت ملاک محاسبه هزینه، زمان امتناع متعهد در برابر تعهد و تبدیل آن است و در نتیجه محاسبه هزینه تعهد تبدیل شده، می‌بایست بر مبنای زمان تبدیل باشد... رابعاً با التفات به مدافعات مرجع تصویب‌کننده، میزان هزینه تعیین شده با لحاظ شاخص بهای تورم و از باب محاسبه هزینه واقعی، مستدل است و تفاوت آن با سنوات گذشته ملاکی جهت مغایرت آن با موازین قانونی نیست. بنابه مراتب فوق، نامه شماره ۴/۱۱۲۸۸۵ مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۰۷... در حدود اختیار مقام صادرکننده آن بوده و مغایرتی با قوانین و مقررات نداشته و ابطال نشده است».

۲. سابقه و مقررات ناظر به شکایت:

قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی در تاریخ ۱۳۵۳/۰۴/۳۰ به تصویب رسید و مواد ۷ و ۸ آن به موجب لایحه قانونی مصوب ۱۳۵۸/۰۷/۲۶ شورای انقلاب اصلاح شد.^۱

۱. به موجب ماده ۷ قانون ۱۳۵۳: «دانشجویان و هنرجویانی که بخواهند از تحصیلات مجانی استفاده کنند، مکلف‌اند معادل دو برابر مدتی که از تحصیل مجانی استفاده کرده‌اند در صورت نیاز دولت در رشته متناسب تحصیلات خود در دستگاه‌های دولتی و یا به معرفی دولت در بخش خصوصی در کشور خدمت کنند. در صورت استنکاف از انجام تمام و یا قسمتی از خدمات مذکور باید هزینه تحصیلات مجانی را به تناسب مدتی که خدمت نکرده‌اند به دولت بپردازند».

متعاقباً آیین نامه اجرایی تبصره ماده ۷ موضوع لایحه قانونی مذکور در ۱۳۵۹/۰۳/۱۲ تصویب شد.^۱ به موجب ماده ۷ این لایحه قانونی، بهره‌مندی از مزایای آموزش رایگان مستلزم ایفای خدمت دانش‌آموخته در کشور است: «دانشجویان و هنرجویانی که بخواهند از آموزش رایگان در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی داخل کشور استفاده نمایند، مکلف‌اند برابر مدتی که از تحصیل رایگان استفاده کرده‌اند در ایران خدمت نمایند. در صورت استنکاف از انجام تمام یا قسمتی از خدمت مذکور باید هزینه تحصیلات رایگان را تمام یا به تناسب مدتی که خدمت نکرده‌اند به دولت بپردازند. دانشجویان و هنرجویانی که مایل به استفاده از تحصیلات رایگان نیستند، مکلف به پرداخت شهریه و هزینه تحصیلی می‌باشند.

تبصره: آیین نامه مربوط به احتساب هزینه تحصیلات عالی و... نحوه اشتغال آنان از طرف وزارت فرهنگ و آموزش عالی تهیه و پس از تصویب هیئت وزیران اجرا خواهد شد.»
 متعاقباً ماده ۸ با توجه به نیاز برخی دانشگاه‌ها و مؤسسات در تربیت نیروی انسانی، بر عمل به تعهدنامه موصوف تأکید می‌کرد: «دانشجویان و هنرجویان دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارتخانه‌ها و مؤسسات عام‌المنفعه که برای خدمت در دانشگاه‌ها، وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های مذکور آموزش می‌بینند، مکلف‌اند طبق تعهدنامه رسمی که در بدو ورود برابر مقررات مربوط از آنان اخذ می‌شود، تعهدات خود را انجام دهند. در آگهی پذیرش دانشجو و هنرجو برای این نوع مؤسسات، دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها و تعهدنامه مزبور باید شرایط تحصیل و کیفیت و ضمانت اجرای تعهدات قید شود.»

۳. تعهد تخیری^۲ و تعهد بدلی:^۳

تعهد در شکل معمول و بسیط خود، رابطه‌ای بین بدهکار و طلبکار است که مدیون به انجام کار، خودداری از عملی یا پرداخت مبلغی ملتزم می‌شود. متقابلاً گاهی تعهد مرکب است یعنی اعراض خارجی آن را مقید می‌سازد (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۱۱). در زمره این قیود خارجی، مواردی است که

۱. حسب تبصره یادشده، آیین نامه مربوط باید از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی تهیه می‌شد و به تصویب هیئت وزیران می‌رسید. با این حال، به علت فترت ناشی از عدم استقرار دولت منتخب و نظر به اینکه شورای انقلاب اداره قوه مجریه را بر عهده داشت، این آیین نامه بنابه پیشنهاد شماره ۱/۱۷۱۹ مورخ ۱۳۵۹/۰۳/۰۶ وزارت فرهنگ و آموزش عالی، در شورای انقلاب تصویب شد.

2. Obligation alternative

3. Obligation facultative

برخی (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۸۴۲) عنوان «تعهد گزینشی» و برخی نیز عبارت «تعهد اختیاری» را برای ترجمان این واژه پیشنهاد داده‌اند (کاتبی، حسینقلی، ۱۳۸۰). فرهنگ حقوقی فرانسه-فارسی، چاپ دوم، گنج دانش، ص ۲۵۰؛ کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۵۶.

متعلق موضوع تعهد، متعدد باشد. به دیگر سخن، هنگامی که بدهکار به موضوعات متعدد با امری در میان موضوعات متعدد ملزم می‌شود^۱ (Flour et al, 2022: 75-69).

در این موارد، گاه تعهد شامل دو یا چند چیز است که فقط اجرای یکی از آن‌ها از سوی مدیون برای وفای به عهد کافی است (مثل تعهد منفق به پرداخت وجه یا تأمین اسباب معاش، تعهد جانی به هریک از اقلام دیه، التزام به تحویل کالا یا پرداخت مبلغی معین، استرداد عین اموال یا ارزش آن)^۲؛ به تعبیری تعهد در اینجا تخییری است نه تعیینی.

متقابلاً گاه تعهد بدلی است یعنی یک موضوع بیشتر ندارد،^۳ لیکن به متعهد اختیار داده می‌شود که موضوع دیگری را به جای موضوع اصلی ایفا کند و بدل آن سازد.^۴ مثلاً بدهکار ملتزم می‌شود ملکی را تحویل دهد، اما می‌تواند با پرداخت مبلغی از این تعهد بری شود؛ یا مستأجر باغی که به مال‌الاجاره معین ملتزم شده است، بتواند بخش معینی از محصول را به جای اجاره‌بها بپردازد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۷۹۸؛ کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۵۶؛ Carbonnier, 2000: 122؛ پردازد (Chéné, 2023: 222; Julienne, 2022: 63 et 68).

گفتنی است که در تعهد تخییری، هرگاه طرفین توافق مغایر نداشته باشند، اصولاً متعهد حق انتخاب یکی از موضوعات را دارد. در اینجا با از بین رفتن یکی از چند موضوع معهود، دین بدون محل نمی‌ماند و تا زمانی که یکی از موضوعات وجود داشته باشد، تعهد نیز باقی است. همچنین با تعدد سایر موارد یا گزینش یکی از آن‌ها، حق انتخاب مدیون از بین می‌رود و تعهد بسیط و تعیینی می‌شود (Malaurie et al, 2020: 630; Julienne, 2022: 69). بنابراین با توجه به اختیار گزینش مدیون، موضوعات متعهدیه در عرض هم هستند و ارزش آن‌ها معمولاً برابر است (Simler, 2019: 1448؛ کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۵۷ و ۱۵۸).

۱. قانون مدنی فرانسه متعاقب اصلاحات سال ۲۰۱۶ ذیل عنوان «Obligation plurale» و مواد ۱۳۰۶ تا ۱۳۲۰ از تعهداتی سخن می‌راند که شامل موضوعات متعدد (La pluralité d'objets) و طرفین متعدد (La pluralité de sujets) می‌شوند. البته تعدد موضوع در مقال حاضر، منصرف از مواردی است که بدهکار، دفعتاً و به موجب التزام واحد به انتقال چند مال یا اجرای چند کار ملتزم می‌شود (L'obligation cumulative ou conjonctive). مثلاً بدان‌گاه که متعهد هم‌زمان ملتزم به پرداخت وجه و تسلیم کالایی شده است در واقع فقط یک تعهد با موضوعات متفاوت وجود دارد و براءت ذمه مدیون منوط به انجام همه موارد است (Flour et al, 2022: 77; Terré et al, 2019: 1447). لذا بحث مطروحه در این مقاله ناظر به مواردی است که به رغم تعدد موضوع تعهد، مدیون فقط ملزم به ایفای یکی از موضوعات باشد (L'obligation disjonctive).
۲. برای تعهد تخییری «متعلق موضوع تعهد» باید شامل موارد متفاوتی باشد نه اوصاف یا وسیله اجرای تعهد. بنابراین استتسهاد به مصادیقی مانند حمل و نقل کالا به طریق جاده‌ای یا هوایی (Flour et al, 2022: ۷۷; Simler, 2019: ۲۰۲۲)، منطبق با این تعهد به نظر نمی‌رسد زیرا اصولاً متعهد به «ارسال کالا» ملتزم می‌شود و شیوه ارسال موضوعیت ندارد.

4. Un seul objet est in obligaiione

5. In facultate solutionis

متقابلاً محل تعهد بدلی یکی است، اما در صورت توافق طرفین در قرارداد (Bénabent, 2023: 148) یا به پیش بینی قانون، امکان جایگزینی محل دیگری به جای آن وجود دارد. در واقع آنچه متعهد به عنوان بدل و جانشین موضوع اصلی انجام می دهد وسیله براثت ذمه است، نه اجرای تعهد (کاتوزیان، همان: ۱۶۵). برخلاف تعهد تحیری که علاوه بر متعهد، متعهدله یا شخص ثالث نیز می توانستند حق گزینش را داشته باشند، این باور اجماعی است که تعهد بدلی به نفع بدهکار است و لذا حق انتخاب نیز صرفاً از سوی او قابل اعمال خواهد بود (Flour et al, 2022: 78; Malaurie et al, 2020: 630). همچنین طلبکار فقط می تواند تعهد اصلی را مطالبه کند و اگر اجرای تعهد اصلی بر اثر قوه قاهره ممکن نباشد یا بطلان یابد، ذمه بدهکار نسبت به موضوع اصلی، جایگزین یا معادل آن معاف می شود (Terré et al, 2019: 145; Malaurie et al, 2020: 630). بدیهی است که هرگاه اجرای تعهد جایگزین متعذر شود، حق الزام تعهد اصلی از بین نمی رود، اما تعهد دیگر بدلی شمرده نمی شود و متعهد ملزم به ایفای موضوع اصلی خواهد بود (Flour et al, 2022: 79).

۴. اختیار دولت و دستگاه های اجرایی در اعمال یا عدم اجرای مقررات:

تفکیک قوانین امری و تکمیلی^۱ از مفاهیم ابتدایی در شناخت قاعده حقوقی است. اما پرسش اینجا است که آیا همانند حقوق خصوصی که امکان توافق طرفین برخلاف قانون تکمیلی وجود دارد (Carbonnier, 1997: 210؛ کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۵۴، ۸۴ و ۱۵۸)؛ مفهوم قانون تکمیلی در حقوق عمومی نیز قابل تصور است؟

باید توجه داشت اصولاً در حقوق عمومی، دولت در مقام اعمال اقتدار و فرمانروا است و شهروندان در جایگاه مخاطب یا فرمانبر حق تخطی از مقررات و گزینش راهکار مخالف آن را ندارند. به دیگر سخن، حقوق عمومی از ابزار قرارداد که مبتنی بر توافق اراده های برابر است، بهره نمی گیرد، بلکه دست به عمل یک جانبه ای می زند که خود نمایشگر قدرت است و به اراده ای امکان می دهد تا بر اراده دیگر تحمیل شود. اگر از قرارداد نیز به منزله روش حقوقی حقوق عمومی بهره بگیرد، این قرارداد باز تغییر شکل می دهد و به نوعی به موافقت اراده های نابرابر تبدیل می شود؛ به گونه ای که یکی از طرفین قرارداد یعنی دولت موقعیت متمایزی نسبت به طرف متعاقد دیگر خواهد داشت (دومیشل، ۱۳۷۶: ۱۷).

با وجود این هر چند پاسخی که به ذهن متبادر می شود منفی است، اما تردید زمانی پدید می آید که گاه در تعبیر قانون گذار به جای تکلیف دولت و دستگاه های اجرایی، برای عملی که در گذشته

1. Loi impérative et loi supplétive

اصولاً امکان پذیر نبوده یا منوط به مجوز قانون‌گذار بوده، اختیار و امکان مقرر شده است.^۱ باید توجه داشت که این مجوز ماهیت امری قانون را دگرگون نمی‌کند و حتی برای اشخاص دیگر که ذی‌نفع احتمالی‌اند، به وجود نمی‌آورد، بلکه صرفاً اختیاری برای دستگاه‌های دولتی فراهم می‌آورد تا در راستای تأمین حقوق عمومی، آنچه را به مصلحت نزدیک‌تر می‌دانند، اعمال کنند.^۲ این اختیار ناشی از مصلحت‌انگاری مبتنی بر توسعه صلاحیت قانونی است و ناظر بر حق شخصی نیست (دومیشل، همان: ۱۸). مجریان نیز آن‌قدر یله نیستند که بدون ملاحظه و تشخیص مصلحت اقدام کنند و بنابراین در صورت قصور در تشخیص خود، مسئولیت خواهند داشت.

از سوی دیگر، گاه در مواردی مانند «لایحه قانونی اصلاح مواد ۷ و ۸ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیلی اطفال و جوانان ایرانی»، از سیاق عبارات برمی‌آید که این حق انتخاب به اشخاص خصوصی واگذار شده است. بنابراین این پرسش مطرح است که گستره این اختیار تا چه میزان و تا چه زمانی است و اصلاً آیا دولت (وزارتخانه‌های علوم و بهداشت) در برابر این اختیار شهروندان می‌تواند از دریافت هزینه آموزش رایگان و لغو تعهد خدمت امتناع کند و متعهد را به خدمت ملزم کند؟

۱. این معنا در متون متعدد و به تعابیر مختلف یاد شده است. از جمله حسب اصل یک‌صد و پنجاه و پنجم قانون اساسی: «دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند...»؛ همچنین این اختیار با تعبیر «می‌تواند»، به موجب تبصره ۳ ماده ۳ و بند «ز» ماده ۱۹ و مواد ۲۶ و ۶۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم برای «دولت»، «وزیر امور اقتصادی و دارایی» و «شورای رقابت» مقرر شده است. در موارد مکرری نیز عباراتی مانند «مجاز خواهد بود» یا «اجازه داده می‌شود» در این مفهوم به کار رفته است (ماده ۱۹ قانون مدیریت خدمات کشوری).

۲. این ضابطه حتی در خصوص روابط قراردادی بین دولت و اشخاص خصوصی نیز مجری و مورد تأیید مراجع قضایی است: «ماده ۳۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (مصوب ۱۳۸۰) به وزارتخانه‌های علوم و بهداشت اجازه داده است با دریافت مابه‌التفاوت ارزش پرداختی به دانشجو و نرخ روز، وثایق مربوطه را آزاد نمایند و نیز [حسب] مفاد سند... بعد از مراجعت دانشجو و انجام تعهدات، سند قابل ابطال و سپرده قابلیت استرداد را خواهد داشت. مفاد تعهدنامه به عنوان اراده طرفین بر موضوع حاکم است و مقررات ماده مذکور به هیچ عنوان تصرفی در اراده طرفین ننموده است و صرفاً به وزارتخانه‌های مربوطه اجازه داده است که با شرایطی نسبت به آزادسازی اسناد تعهد دانشجویان اقدام نمایند. هدف قانون‌گذار از تصویب مقرره مذکور، الزام وزارتخانه‌های مربوطه به دریافت خسارت و آزادسازی اسناد رهن و تعهدات نبوده است، بلکه صرفاً یک مجوز قانونی برای وزارتخانه‌های ذی‌ربط ایجاد نموده است که به تشخیص و اراده وزارتخانه مقررات این ماده قانونی بر موضوع اعمال گردیده... چراکه ممکن است به دلیل نیاز وزارتخانه به دانشجو و انجام تعهدات اصلی مندرج در اسناد، ضروری باشد که دانشجو به کشور بازگردد... بنابراین شرط اعمال مقررات ماده ۳۴ قانون مذکور، اذن و اجازه وزارت خواننده است و طبیعی است حتی با وجود پرداخت خسارت طبق قانون اشاره شده توسط متعهد یا ضامن وی، وزارتخانه متبوع اختیار دارد از آزادسازی اسناد خودداری نماید و صرفاً حضور دانشجو در کشور و انجام تعهدات اصلی مندرج در سند را از وی مطالبه نماید (دادنامه شماره ۲۴۰۰۰۰۱۷۰۸۶۹۷۸۹۱۰۹ مورخ ۱۳۹۱/۰۱/۱۶ شعبه پنجم دادگاه تجدیدنظر استان مرکزی در تأیید رأی بدوی شعبه چهارم دادگاه عمومی حقوقی اراک).

۵. نقد دادنامه:

صرف نظر از استدلال و مبانی رأی مذکور، به نظر می‌رسد که هیئت عمومی دیوان عدالت اداری متعرض برخی جنبه‌های ادعای شاکیان نشده است. در واقع علاوه بر ماهیت تعهد قانونی ایفای خدمت در قبال بهره‌مندی از آموزش رایگان، عمده مستند شکایت در پرونده یادشده ناظر به عطف به ماسبق شدن بخش نامه خرید تعهدات بر دانش‌آموختگان سابق است. بنابراین نزاع اصلی بر سر این بوده است که با تصویب جدول هزینه جدید، مبلغ مربوط به لغو تعهد خدمت برای فارغ‌التحصیلان سال‌های پیش نیز، که اکنون در مقام خرید تعهدات آموزش رایگان خود هستند، چند برابر شده است.

هرچند دیوان عدالت مستقیماً در خصوص این مدعا پاسخی نمی‌دهد، اما به نظر می‌رسد که بحث «عطف به ما سبق نشدن مقررات» در مورد اخیر جایگاهی ندارد. در واقع التزام و تعهدی که سابقاً با لایحه قانونی به وجود آمده بود، تغییر نکرده است تا بحث تسری مقررات به گذشته مطرح شود، بلکه سخن در اثر این التزام و در برآورد ارزش تعهد و تقویم بدل آن است (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۱۹۹).

همچنین حق مکتسب و ثابتی در هنگام ثبت نام و حاکمیت بخش نامه‌های سال‌های قبل برای متعهدین انجام خدمت در داخل کشور (که ملتزم به ایفای تعهدی غیرمالی هستند)، به وجود نیامده است. صرف این انتظار و حق محتمل که دانشجو امیدوار باشد در صورت پرداخت نکردن هزینه هنگام ثبت نام و متعاقباً عدم ایفای خدمت در کشور پس از فراغت از تحصیل می‌تواند با پرداخت مبلغی مشخص، برائت حاصل کند، مانع نفوذ بخش نامه‌های جدید نخواهد بود. افزون بر این، هزینه‌های تحصیلی در طول زمان برآورد می‌شوند و متعاقب استتکاف از خدمت قابل مطالبه خواهند بود. پس با عنایت به «اثر فوری قانون» (مستنبط از ماده ۴ ق.م)، مقررات جدید نسبت به موقعیت‌های در حال وقوع که عناصر تشکیل دهنده آن به‌طور مداوم و در طول زمان شکل می‌گیرند، اثر فوری دارند و بر آن‌ها حاکم خواهند بود و این امر نه به معنی تأثیر قانون در گذشته، بلکه لازمه حکومت قانون در آینده است (همان: ۶۵ و ۱۷۴).

با این حال، استدلال هیئت عمومی خالی از ابهام یا ایراد نیست. در واقع به نظر می‌رسد دیوان عدالت اداری ابتدا نظر خود را در خصوص شکایت، برگزیده و سپس در پی استدلال و تمهید مبانی حقوقی برای توجیه آن بوده است.

در این راستا دادنامه برای رد شکایت و تأیید مصوبه، به نهاد «تبدیل تعهد» استناد کرده است، که از نظر مبنايي، استدلالی سست و نادرست به نظر می‌رسد. به تعبیر رأی صادره: «موضوع ماده ۷ لایحه قانونی مذکور، انجام تعهد در قبال تحصیل رایگان است، مگر با امتناع متعهد و نتیجتاً تبدیل تعهد به پرداخت هزینه به‌عنوان بدل از تعهد که در این صورت ملاک محاسبه هزینه، زمان

امتناع متعهد در برابر تعهد و تبدیل آن است و در نتیجه محاسبه هزینه تعهد تبدیل شده، می‌بایست بر مبنای زمان تبدیل باشد».

با وجود این باید توجه داشت که عنوان تبدیل تعهد^۱ (به مفهوم ماده ۲۹۲ ق.م) در اینجا صدق نمی‌کند. زیرا این تعبیر هنگامی استعمال می‌شود که تعهد جدیدی، جانشین تعهد سابق می‌شود و متقابلاً عهد سابق از بین می‌رود (شهیدی، ۱۳۷۷: ۱۳۹). در واقع در تبدیل تعهد، موضوع دین واحد و تعهد بسیط است و بعداً با عمل حقوقی جداگانه‌ای جایگزین می‌شود. در حالی که در مورد مطروحه و ماده ۷ لایحه قانونی یادشده، تعهد از ابتدا به شکل مرکب بوده است و موضوعات متعددی برای گزینش متعهد (به صورت عرضی و طولی در قالب تعهد خدمت یا پرداخت هزینه) مطرح و متصورند. همچنین تبدیل تعهد منوط به رضایت متعهد و توافق طرفین است (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۳۲۰؛ شهیدی، همان: ۱۴۰ و ۱۴۷) و در این خصوص قصد طرفین باید صریح باشد و احراز شود. بنابراین فرض تبدیل تعهد، مقبول نیست و در صورت شک در احراز این قصد، «اصل عدم تبدیل تعهد» جاری خواهد شد (کاتوزیان، همان: ۳۲۲؛ جعفری لنگرودی، همان: ۶۱۱؛ شهیدی، همان: ۱۵۱). در صورتی که در موضوع مطروحه، دانش‌آموخته‌ای که از مزایای آموزش رایگان استفاده کرده و از ایفای تعهد خدمت امتناع کرده است، چه بسا رضایتی نیز به خرید تعهدات نداشته باشد و حتی اساساً تمایل و قصد وی در این خصوص بی‌تأثیر است.

۵-۱. پرداخت وجه در قبال تعهد به خدمت به عنوان تعهد تخییری یا بدلی

با توجه به مراتب فوق، به نظر می‌رسد باید مسئله را از منظر دیگری تحلیل کرد:

نخست در این زمینه باید به ماهیت تعهد توجه داشت. تعهد شخصی که از مزایای آموزش رایگان استفاده کرده، در وهله اول خدمت در داخل کشور و مصداق «تعهد به فعل غیر مالی» است. اما استفاده از «آموزش رایگان» الزامی نیست و طبق ذیل ماده ۷ مذکور و تبصره ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی تبصره آن: «دانشجویانی که مایل به استفاده از تحصیلات رایگان نیستند باید شهریه و هزینه تحصیلی اعلام شده از طرف وزارت فرهنگ و آموزش عالی را هنگام ثبت نام به محل تحصیل خود بپردازند». با توجه به این مقرر، مشخص می‌شود که برای این دانشجویان، تأدیئه مبلغ بابت هزینه تحصیلی، در عرض تعهد خدمت در قبال آموزش رایگان قرار می‌گیرد و با پرداخت آن در موعد مقرر (هنگام ثبت نام) و انتفای بهره‌مندی از آموزش رایگان، دانشجو از تعهد خدمت در داخل کشور معاف می‌شود. در اصطلاح حقوقی، تعهد در اینجا از نوع «تخییری» است

که دو موضوع دارد و گزینش یکی از آن‌ها برای وفای به عهد کافی است.^۱ نظر به ماهیت تعهد و ویژگی آن و اختیار متعهد در انتخاب متعهد، روشن است در صورتی که دانشجو در هنگام ثبت نام از حق آموزش رایگان صرف نظر کند و ملتزم به تأدیة هزینه‌های مربوطه شود، ضوابط حاکم در هنگام ثبت نام در هر نیم سال مجری است و مشاراًلیه فقط به تأدیة وجه مقرر حسب مقررات و دستورالعمل حاکم در آن زمان موظف خواهد بود.

دوم اینکه حسب ماده ۷ مذکور و ماده ۱ آیین نامه اجرایی تبصره آن: «دانشجویانی که از تحصیلات رایگان استفاده می‌کنند، مکلف‌اند برابر مدت تحصیل رایگان خود در ایران خدمت نمایند و در صورت استتکاف... باید هزینه تحصیلات رایگان را تمام یا به تناسب مدتی که خدمت نکرده‌اند، به دولت بپردازند».

با توجه به حکم ماده مشخص می‌شود که التزام به پرداخت هزینه در اینجا، در طول تعهد خدمت در کشور قرار دارد و هم‌عرض آن نیست. به تعبیر دقیق‌تر، تعهد دانش‌آموخته در فرض اخیر از اقسام «تعهد بدلی» است و صرفاً یک موضوع دارد که آن انجام خدمت در داخل کشور است. متعهدله تعهد بدلی باید موضوع اصلی را مطالبه کند و دادگاه نیز نسبت به همین خواسته حکم صادر می‌کند، منتها متعهد می‌تواند در مقام اجرا بدل آن را تسلیم و تعهد را ساقط کند (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۶۶). بنابراین دانش‌آموخته می‌تواند پس از بهره‌مندی از تسهیلات آموزش رایگان، با پرداخت «هزینه تحصیلات» به عنوان جایگزین تعهد اصلی، به تعهد خود عمل کند.

با توجه به آنچه گفته شد، چون موضوع تعهد اصلی در اینجا انجام خدمت و فعل قائم به شخص متعهد است، محاسبه هزینه‌ها و خرید تعهد (به عنوان بدل تعهد) فقط هنگام ایفای متعهد به جایگزین (تادیة وجه) باید انجام شود و تابع ضوابط ناظر بر زمان پرداخت است. پس استتکاف از انجام خدمت در داخل کشور و تصمیم به پرداخت هزینه‌های تحصیل به گذشته سرایت نمی‌کند تا موجب شود ضوابط و هزینه‌های هنگام ثبت نام ملاک عمل قرار گیرد.

سوم اینکه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، راساً و بدون استظهار طرف شکایت، معیار محاسبه و به‌روزرسانی هزینه را شاخص تورم تلقی کرده است که موجه به نظر نمی‌رسد: «با التفات به مدافعات مرجع تصویب‌کننده، میزان هزینه تعیین‌شده با لحاظ شاخص بهای تورم و از باب محاسبه هزینه واقعی، مستدل است و تفاوت آن با سنوات گذشته ملاکی جهت مغایرت آن با موازین قانونی نیست».

صرف نظر از اینکه مرجع تصویب‌کننده در دفاعیات خود به شاخص تورم اشاره‌ای نکرده

۱. با توجه به ماهیت این تعهد، انتخاب انجام شده قطعی است و در پی این گزینش، تعهد ویژگی تخییری خود را از دست می‌دهد (Flour et al, 2022: 78).

است؛ باید عنایت داشت که تعدیل قانونی نیاز به مجوز و تصریح مقنن دارد و صرف سقوط ارزش پول، مجوز به‌روزرسانی مطالبات دولت نیست^۱ و دریافت چنین مبلغ مازادی، تخلف و مصداق ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت^۲ خواهد بود. در اینجا است که توجیه حکم ماده ۷ لایحه قانونی یادشده بر مبنای «تعهد بدلی»، حل مسئله به‌روزرسانی هزینه تحصیلات رایگان را نیز آسان می‌کند. در واقع این ماده، مستنکف از ایفای خدمت را مکلف می‌کند «هزینه تحصیلات رایگان» را بپردازد و پرسش اینجا است که با توجه به اینکه دوره تحصیل به پایان رسیده است، ملاک ارزیابی هزینه مذکور چه زمانی است؟ هنگام اشتغال به تحصیل و بهره‌مندی از مزایای آموزش رایگان و یا زمان لغو تعهد خدمت و بازپرداخت هزینه‌ها؟

مسئله از این نظر، قابل تأمل است که با توجه به تورم معمول، هزینه‌های آموزشی در زمان استنکاف متفاوت از زمان تحصیل خواهند بود و طبعاً افزایش می‌یابند. از آنجاکه هزینه قبلاً پرداخت شده و تعدیل آن نیز از منظر قانونی منتفی است، باید موضوع را بر پایه ماهیت تعهد تحلیل کرد. همان‌طور که اشاره شد چون در تعهد تخییری، موضوعات در عرض هم هستند، ارزش آن‌ها معمولاً برابر است.

به تعبیر فنی، در بسیاری از موضوعات تعهد تخییری، (دست‌کم در نظر طرفین یا قانون‌گذار) گزینه مختار با مبدل^۳ (جایگزین) خود، ارزش تقریبی یکسانی دارند. مثلاً بر اساس «لایحه قانونی اصلاح مواد ۷ و ۸ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی» دانشجویانی که به استفاده از تحصیلات رایگان مایل نباشند، می‌توانند در هنگام ثبت نام، شهریه و هزینه تحصیل خود را بپردازند و از تعهد خدمت در کشور معاف شوند. این مبلغ را که وزارت علوم تعیین می‌کند، اصولاً معادل بهای خدمت آموزشی و تسهیلات ارائه شده است و ذمه دانشجوی را بری می‌کند.

متقابلاً موضوعی که در تعهد بدلی، جایگزین دین اصلی می‌شود بدیل بالذات آن نیست. در واقع متعهد ملزم به ایفای تعهد اصلی است و بدل جایگزین التزام اصلی می‌شود. در این صورت، بدل در طول تعهد اصلی است و اصولاً برای جلب رضایت متعهد پیش‌بینی می‌شود و تناسب ارزش تعهد اصلی و جایگزین آن الزامی نیست. زیرا اصولاً در نظر طلبکار، حصول تعهد اصلی موضوعیت دارد و پرداخت جایگزین، ایفای تعهد انگاشته نمی‌شود و صرفاً وسیله براهت بدهکار است. لذا وقتی لایحه قانونی مذکور، مستنکف از انجام خدمت آموزش رایگان را به پرداخت

۱. ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی و مقررات عمومی به‌روزرسانی دیون نیز در اینجا به کار نمی‌آید. زیرا علاوه بر لزوم وجود شرایط مذکور در این ماده و الزام به رسیدگی و احراز قضایی، جدول هزینه‌های محاسبه شده به‌عنوان بدل تعهد خدمت با تغییر شاخص سالانه (حسب برآورد بانک مرکزی) نیز منطبق نیست.

۲. «دریافت هرگونه وجه، کالا و یا خدمات تحت هر عنوان از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی غیر از مواردی که در مقررات قانونی مربوط معین شده یا می‌شود... ممنوع می‌باشد...»

«هزینه تحصیلات رایگان» مکلف می‌کند، به این معنی نیست که هزینه مصروفه دوران دانشجویی به‌عنوان دین پولی، مستقر بر ذمه شده است و باید مسترد شود، بلکه منظور هزینه واقعی است که پس از استنکاف، برآورد خواهد شد. در این راستا، طبق تبصره ۱ ماده ۱ و تبصره ماده ۴ آیین‌نامه لایحه قانونی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی هزینه‌های تحصیلی مستنکف را اعم از شهریه، هزینه تحصیلی و کمک‌های دریافتی تعیین و دریافت خواهد کرد.

۵-۲. پرداخت وجه در قبال تعهد به خدمت به‌عنوان وجه التزام

ذکر این نکته ضروری است که هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با تفکیک حکم مواد ۷ و ۸ لایحه قانونی یادشده در مصداق مشابهی که تعهد خدمت به نفع دانشگاه، دستگاه اجرایی یا مؤسسه معین باشد، متعهدله را ذی‌نفع تلقی کرده است که در نتیجه این استنباط، پرداخت وجه بابت خرید تعهد، منوط به موافقت داین و از باب «وجه التزام» خواهد بود.^۱ در واقع به باور هیئت عمومی، وقتی دانشگاه یا دستگاه اجرایی معین، متعهدله خدمت دانش‌آموخته باشد و صرفاً خواستار ایفای خدمت دانش‌آموخته شود و از دریافت هزینه لغو تعهد امتناع کند، دانش‌آموخته حقی در خصوص گزینش جایگزین (پرداخت وجه) و آزادسازی مدرک تحصیلی با خرید تعهدات خود ندارد. آرای گوناگونی در این خصوص صادر شده است که رویه مستقر هیئت عمومی را در این زمینه نشان می‌دهد.^۲ از جمله در یکی از دادنامه‌های اخیر، شاکی ابطال نامه وزارت بهداشت، درمان و

۱. دادنامه شماره ۱۵۶۶ مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۱۶ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری:

(<https://ara.divan-edalat.ir/judgment.aspx?idr=52838&tar=200&ida=992&o=5>)

۲. علاوه بر آرای هیئت عمومی (از جمله دادنامه شماره ۱۹۱۶ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۲) شعب دیوان نیز در برابر شکایاتی که مدعی مغایرت قانونی عدم امکان اخذ مدرک تحصیلی در برابر پرداخت هزینه و خسارات بوده‌اند، صرفاً نظر به انجام فعل معهود و ایفای خدمت دارند: «نظر به اینکه به‌موجب تعهدنامه... تجدیدنظر خوانده متعهد به خدمت به مدت دو برابر دوره آموزشی به‌صورت تمام‌وقت در مناطق مورد نیاز گردیده است و در صورت عدم انجام خدمت معهود، مکلف به پرداخت دو برابر شهریه‌های تحصیلی و هزینه‌های مصروفه و دو برابر حقوق و مزایای تخصصی در مدت تحصیل به‌صورت نقد... می‌باشد و تا قبل از اتمام خدمت مورد تعهد حقی نسبت به دریافت ریزنمرات و تأییدیه مدرک تحصیلی نخواهد داشت و چون هدف از اخذ تعهد مذکور الزام متعهد به انجام خدمت مورد تعهد می‌باشد و مطابق ماده ۲۳۷ ق.م.ت معهد ملزم به انجام تعهدات و در صورت تخلف از اجرای تعهد توسط متعهد، متعهد [له] حق اجبار متعهد، به ایفای تعهد را دارد، و چون پرداخت هزینه‌ها و خسارت‌ها و حقوق و مزایای دریافتی، در صورت عدم اجرای تعهد، ضمانت اجرا و تضمین انجام تعهدات [است]، لذا متعهد به‌صورت ابتدایی متعهد به انجام تعهد یا پرداخت هزینه و خسارت‌های مذکور نیست؛ بلکه تعهد اولیه و اصلی متعهد انجام موضوع تعهد است و در صورتی که متعهد از ایفای تعهد خودداری نماید، متعهد [له] مکلف به دریافت خسارت‌های مذکور نیست، بلکه حق الزام نامبرده را به انجام و ایفای تعهد دارد. از طرفی متعهد مختار به انتخاب تعهد اصلی یا بدل آن نیست که تقاضای الزام متعهد [له] را به پذیرش بدل تعهد به‌جای تعهد اصلی نماید... لذا الزام طرف شکایت به اعطای مدرک

آموزش پزشکی را خواستار شده و اعلام کرده است که: «... ورودی ۱۳۹۴/۰۷/۰۱ بوده و در تاریخ ۱۳۹۷/۱۰/۰۱ فارغ‌التحصیل شده است. در زمان تنظیم تعهدنامه [انجام خدمت در برابر تحصیل رایگان]، قانون‌گذار منعی برای خرید تعهد و آزادسازی دانشنامه پیش‌بینی نکرده است و امکان خرید تعهد خدمت در صورت عدم تمایل به گذراندن آن، با استناد به جداول ارائه‌شده وزارت بهداشت برای مقطع کارشناسی ارشد ۲۶۰ هزار تومان به‌ازای هر سال تحصیلی، فراهم بوده است. وزارت بهداشت خرید تعهد و آزادسازی مدارک تحصیلی در رشته کارشناسی ارشد پرستاری را در تاریخ ۱۳۹۷/۰۲/۱۶ منع کرده^۱ و حق خرید تعهدات از دانش‌آموختگان سلب شده است... مطابق ماده ۷ «لایحه قانونی اصلاح مواد ۷ و ۸ قانون تأمین وسایل...» [دانش‌آموختگان] در صورت استنکاف از انجام تمام یا قسمتی از خدمت مذکور باید هزینه تحصیلات رایگان را... به دولت بپردازند... بنابراین صدور بخش‌نامه مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۱۶ خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات وزارت بهداشت است. همچنین مطابق ماده ۴ ق.م... این ممنوعیت شامل کسانی خواهد بود که پس از لازم‌الاجرا شدن مصوبه و دستورالعمل مزبور مبادرت به تنظیم تعهدنامه کرده باشند و تعمیم آن به قبل از تصویب معایر با اصل مسلم حقوقی «عطف به ماسبق نشدن قوانین» خواهد بود.»

با توجه به پاسخ طرف شکایت، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به این شرح رأی صادر کرده است: «مطابق ماده ۷ لایحه قانونی اصلاح مواد ۷ و ۸ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی: "دانشجویان مکلف‌اند برابر مدتی که از تحصیل رایگان استفاده کرده‌اند در ایران خدمت نمایند. در صورت استنکاف از انجام تمام یا قسمتی از خدمت مذکور باید هزینه تحصیلات رایگان را... بپردازند" و به‌موجب ماده ۸ همین لایحه قانونی: "دانشجویان و هنرجویان دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارتخانه‌ها و مؤسسات عام‌المنفعه که برای خدمت در دانشگاه‌ها، وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های مذکور آموزش می‌بینند، مکلف‌اند طبق تعهدنامه رسمی که در بدو ورود برابر مقررات مربوط از آنان اخذ می‌شود، تعهدات خود را انجام دهند." همچنین بر اساس بند ۷ مصوبه جلسه شماره ۴۲۹ و ۴۳۰ مورخ ۱۳۷۷/۰۷/۲۱ و ۱۳۷۷/۰۸/۰۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی: "هر وزارتخانه حسب نیاز و تشخیص خود درباره اخذ تعهد خدمت یا لغو تعهد دانشجویان تصمیم‌گیری می‌کند." بر مبنای موازین حقوقی مذکور، تکلیف خدمت دانشجویانی که از آموزش رایگان در دانشگاه‌ها... استفاده می‌نمایند (ماده ۷ قانون

تحصیلی و ریزنمرات قبل از انجام خدمت برخلاف مفاد تعهدنامه است» (دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۵۶۰۰۱۵۲ مورخ ۱۳۹۳/۰۲/۲۰ شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری: <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/9349>).
 ۱. طبق این مقرر: «با عنایت به نیاز به خدمات رشته کارشناسی ارشد پرستاری در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور تا اطلاع ثانوی خرید تعهدات در مقطع و رشته مذکور امکان‌پذیر نمی‌باشد.»

مذکور) به انجام خدمت در ایران مفروض بوده و چون در تعهد مزبور انجام خدمت موضوعیت ندارد، از همین رو در صورت استنکاف... باید هزینه تحصیلات رایگان را تمام یا به تناسب مدتی که خدمت نکرده‌اند، به دولت بپردازند. ولی تعهد دانشجویان و هنرجویان دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارتخانه‌ها و مؤسسات عام‌المنفعه که برای خدمت در دانشگاه‌ها، وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های مذکور آموزش می‌بینند، بر مبنای تعهدنامه رسمی مأخوذه از آن‌ها در ابتدای ورود به خدمت است و چون خدمت آن‌ها با توجه به نیاز مبرم دستگاه‌های اجرایی به خدماتشان موضوعیت دارد، قانون‌گذار در ماده ۸ لایحه قانونی [مذکور] که در خصوص گروه اخیر است، برخلاف حکم مقرر در ماده ۷ همین لایحه که در ارتباط با گروه نخست وضع شده به این حکم تصریح نکرده است که در صورت استنکاف از انجام تمام یا قسمتی از خدمت مذکور باید هزینه تحصیلات رایگان را تمام یا به تناسب مدتی که خدمت نکرده‌اند به دولت بپردازند.

بر مبنای همین تمایز، پذیرش دانشجویان کارشناسی ارشد رشته پرستاری با توجه به نیاز مبرم کشور به خدمات ایشان برای خدمت در وزارت بهداشت صورت می‌گیرد و این اشخاص از مشمولان ماده ۸ لایحه قانونی هستند و وزارت مذکور می‌تواند به تجویز این ماده و صلاحیت مقرر در بند ۷ مصوبه جلسه شماره ۴۲۹ و ۴۳۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی نسبت به اخذ تعهد از آن‌ها اقدام کند. ضمن آنکه بر اساس ماده ۲۶۸ ق.م: "انجام فعلی در صورتی که مباشرت شخص متعهد شرط شده باشد، به وسیله دیگری ممکن نیست، مگر با رضایت متعهدله" و مطابق ماده ۲۷۵ همین قانون: "متعهدله را نمی‌توان مجبور نمود که چیز دیگری به غیر آنچه که موضوع تعهد است قبول نماید..." و بر مبنای موازین قانونی مذکور، وزارت بهداشت به عنوان متعهدله در تعهدات مربوط به استفاده از خدمات دانشجویان کارشناسی ارشد رشته پرستاری، ملزم به قبول مواردی از قبیل تأدیه هزینه تحصیلات رایگان... به جای ایفای تعهد توسط آن‌ها نیست. بنابه مراتب فوق... مفاد نامه فوق دلالتی بر عطف به ماسبق کردن آن نسبت به دانشجویانی که سابق بر تاریخ صدور مصوبه مذکور تعهدات ناشی از تحصیل رایگان خود را به هر نحو اعم از انجام تعهد خدمتی یا پرداخت هزینه ناشی از تحصیل رایگان ایفا نموده‌اند، ندارد و صرفاً دانشجویانی را که تاکنون تعهدات خود را ایفا نموده‌اند، شامل می‌شود... بنابراین... مغایر با قوانین و مقررات مذکور و خارج از حدود اختیارات مرجع تصویب‌کننده آن نیست و ابطال نشد.

در توجیه این رأی باید اشاره کرد که ذی نفع خدمت در موضوع شکایت، وزارت بهداشت است که می‌تواند بر مطالبه موضوع دین اصلی ابرام کند یا ضمانت اجرای استنکاف از ایفای تعهد را پذیرا شود. بنابراین این ضمانت اجرا جایگزین تعهد اصلی نیست و در واقع «وجه التزام»

تخلف از تعهد معهود است.^۱ نظر به اینکه وزارت بهداشت صرفاً خواستار ایفای نفس تعهد (انجام خدمت) شده است، نوبت به خرید تعهد نمی‌رسد و تعهد، تعیینی انگاشته می‌شود.^۲ به دیگر سخن در نظر هیئت عمومی دیوان عدالت، دریافت وجه در خصوص استتکاف از تعهد خدمت مذکور در ماده ۷ از باب تخییر متعهد است و لذا در ماده نیز بر این اختیار تصریح شده است. اما علاوه بر پیش‌بینی نشدن امکان خرید تعهد در منطوق ماده ۸، دریافت غرامت احتمالی (متعاقب رضایت متعهدله) جایگزین ایفای خدمت نیست و صرفاً از باب ضمانت اجرای استتکاف در برابر متعهدله

۱. پیش‌بینی وجه التزام ربطی به شکل و چگونگی تعهد ندارد و تنها کیفر مقطوع عدم اجرای تعهد است. به همین علت، برخلاف قانون ۱۸۰۴ فرانسه که در فصل مربوط به «انواع مختلف تعهدات» و در کنار «تعهدات تخییری»، بخش ششم و مواد ۱۲۲۹ تا ۱۲۳۳ را به «وجه التزام» اختصاص داده بود؛ در اصلاحات سال ۲۰۱۶ قانون مدنی این کشور، در ذیل عنوان «Les modalités de l'obligation» ذکری از «شروط کیفری» نشد و این بحث در عنوان «عدم اجرای عقد» مطرح شد (Terré et al, ۲۰۱۹: ۱۴۰۴ et ۱۴۴۸).

۲. همان‌طور که اشاره شد این مصلحت‌اندیشی در قبال فارغ‌التحصیلان رشته‌های پزشکی مشهود است، اما برخی شعب دیوان عدالت اداری به این استنباط هیئت عمومی پایبند نمانده‌اند. در مورد مشابهی وزارت بهداشت طبق بخش‌نامه محرمانه‌ای در تاریخ ۱۴۰۱/۰۸/۲۱ به‌عنوان ساماندهی ایفای تعهدات آموزش رایگان و با هدف جلوگیری از مهاجرت فزاینده، در خرید تعهد و آزادسازی مدارک دانش‌آموختگان رشته‌های پزشکی، دندان پزشکی و داروسازی محدودیت برقرار کرد. متعاقب شکایات مطروحه، برخی شعب خرید تعهدات تحصیل رایگان را به موازات انجام تعهد خدمت شمرند و متعهد را مخیر در خرید یا ایفای خدمت تلقی کردند. مثلاً شعبه ۳۵ در دادنامه شماره ۴۴۲۱۲ مورخ ۱۴۰۳/۷/۱۴ اعلام می‌کند: «نظر به اینکه... مانعی قانونی برای دریافت هزینه آموزش رایگان از شاکی وجود ندارد و با اعلام استتکاف شاکی... ایجاد مانع در دریافت وجه موجب تأخیر بلاجهت ورود زیان به دولت می‌گردد و دستگاه و مقام اجرایی نمی‌تواند در اخذ حق دولت مانع ایجاد کند... و از طرفی تأخیر در انجام تشریفات مربوط به اخذ هزینه و آزادسازی تعهدات موضوع ماده ۷ قانون مذکور موجب تضییع حقوق شاکی می‌گردد... حکم به الزام طرف شکایت به انجام تشریفات مربوط به پرداخت هزینه تحصیل رایگان به نرخ زمان استتکاف شاکی صادر می‌گردد». البته این برداشت عموماً در مرحله تجدیدنظر تأیید نشده است: «... بر اساس مصوبه شماره ۳۰۹۲/دش مورخ ۱۳۶۵/۰۷/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، پذیرفته‌شدگان رشته‌های تحصیلی که با استفاده از سهمیه مناطق پذیرفته می‌شوند، به دلیل امتیازاتی که در پذیرش سهمیه‌ای از آن برخوردار شده‌اند، متعهد می‌شوند که مطابق ضوابط رشته‌های تحصیلی خدمت نمایند و مابقی تعهدات خدمتی را بر اساس قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی به اتمام رسانند... شرکت‌کنندگان در آزمون سراسری علاوه بر تعهدات شرعی و اخلاقی که بر عهده دارند، متعهد می‌شوند پس از گذراندن دوره تحصیلی... به مدت یک تا دو برابر مدت تحصیل در هریک از نقاط ایران به تشخیص سازمان‌های ذی‌ربط نسبت به ایفای تعهد خود اقدام نمایند. اعطای امتیاز و هزینه از اموال عمومی و بیت‌المال جهت تربیت پزشک، رفع نیاز شهرها و روستاها و مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته بوده و اولویت از نظر قانون با توجه به هدف مقنن انجام تعهدات تا زمان برطرف شدن نیاز بوده و تا زمانی که نیاز مناطق مذکور برطرف نشده، آزادسازی دانشنامه و ریزنمرات با بازپرداخت هزینه‌های ناشی از تحصیل رایگان مقدور نبوده و تشخیص این امر با شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت بهداشت است» (مستنبط از دادنامه‌های شماره ۲۹۳۳۴ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۱۵ و شماره ۱۴۸۱۵۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۲۵ شعبه ۲۶ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری).

معین است.^۱ به دیگر سخن، وزارت بهداشت حسب شرایط پذیرش دانشجوی و تعهدنامه تنظیمی، ضمانت اجرای عدم ایفای خدمت معهود را اعلام کرده است، اما در پذیرش و وصول این «وجه التزام» مختار است و مستتکف حقی در این خصوص ندارد.

هرچند این استدلال و تمایز بین «تعهد بدلی» و «وجه التزام» موجه است، اما باید اذعان کرد که ظاهراً نظر دیوان در تفکیک بین تعهد خدمت در کشور به صورت مطلق (موضوع ماده ۷) و تعهد معین به نفع دانشگاه، دستگاه یا شرکت مشخص (موضوع ماده ۸) بر مبنای ملاحظات عملی صادر شده و از لحاظ حقوقی، محل تأمل است. زیرا علاوه بر اینکه گروکشی مدارک تحصیلی که نتیجه کوشش شخص است، تشابهی با «حق حبس» طلبکار در حقوق خصوصی ندارد؛ اساساً الزام به ایفای تعهد در خصوص خدمتی که متعهد دلبستگی به آن ندارد نیز متعارف نیست. همچنین اگر فلسفه الزام به ایفای خدمت و اجرای نفس تعهد، نیاز کشور و تشخیص متعهدله باشد، تفاوتی بین وقتی که ذی نفع خدمت (به طور معین) در آگهی پذیرش دانشجوی و سند رسمی مشخص شده باشد با هنگامی که تعهد بر مبنای قانونی تحمیل شود و دولت به عنوان ذی نفع، ایفای نفس تعهد را ضروری بداند، به نظر نمی رسد. در واقع ماده ۸، حکم متفاوتی با ماده قبل ندارد و صرفاً کیفیت ایفای خدمت در قبال متعهدله خاص را تابع شرایط مقرر بین طرفین می داند که به استظهار این امر نیز نمی توان ماهیت تعهد و ضمانت اجرای آن را متفاوت انگاشت.

نتیجه گیری

تعهد به انجام خدمت یکی از انواع مرسوم التزام به فعل است که علاوه بر روابط خصوصی اشخاص، گاه در روابط دولت و شهروندان بر عهده اشخاص قرار می گیرد. مقاله حاضر ناظر بر مواردی است که فرد طبق ضوابط حقوق عمومی، ملزم به ایفای خدمت است، نه مواردی که شخص (به عنوان یکی از طرفین و حسب حقوق خصوصی) ملزم به ارائه خدمت باشد.

قانونگذار یکی از اشکال این تعهد را در «لایحه قانونی اصلاح مواد ۷ و ۸ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی» مورد توجه قرار داده است و تعهد به خدمت در کشور را برای دانشجویانی که از مزایای تحصیل رایگان استفاده کرده اند، مقرر می کند. تحلیل رابطه حقوقی بین متعهد و دولت (وزارتخانه های بهداشت و علوم) در جایگاه متعهدله، آثاری دارد که از دریچه تعهدات تخییری یا بدلی توجیه پذیر است. باید عنایت داشت که دانشجوی (با دارا بودن شرایط) در پذیرش تحصیل رایگان، مختار است و می تواند با صرف نظر از این امتیاز و در مقام

۱. در ذیل این ماده نیز تصریح شده است: «در آگهی پذیرش دانشجوی و هنرجو برای این نوع مؤسسات، دانشگاه ها و دانشکده ها و تعهدنامه مزبور باید شرایط تحصیل و کیفیت و ضمانت اجرای تعهدات قید شود».

گزینش یکی از موضوعات تعهد تخییری، (به جای آموزش رایگان) هزینه معهود را بر مبنای تعرفه هر ترم تحصیلی بپردازد. روشن است در صورت صرف نظر کردن از حق انتخاب در آغاز تحصیل، آنچه به مثابه تعهد اصلی بر ذمه فرد مستقر و مشخص می شود، خدمت در کشور است. با این حال، پس از پایان تحصیل و در صورت استنکاف دانش آموخته از خدمت، متعهد باید حسب لایحه قانونی مذکور، هزینه تحصیلات رایگان را پرداخت کند. بنابراین با توجه به اینکه خرید تعهدات راهکار جایگزین در براءت ذمه متعهد است و تعهد دانش آموخته «بدلی» انگاشته می شود؛ در صورت استنکاف از ایفای خدمت، متعهد ملزم به پرداخت هزینه تحصیلی حسب نرخ است که در هنگام استنکاف بر آورد خواهد شد.

دیوان عدالت اداری با قبول این نتیجه و با استدلالی متفاوت و قابل خدشه، به طور ضمنی تفکیک تعهدات تخییری و بدلی را در خصوص ماده ۷ لایحه قانونی یادشده شناسایی کرده است. با وجود این با تفسیر لفظی ماده ۸ لایحه آن (و شاید بر مبنای مصالح کشور و نیاز به برخی متخصصان)، بین تعهد خدمت در داخل کشور (به صورت مطلق) و تعهد خدمت به نفع دستگاه معین، تفاوت می گذارد. با توجه به آرای هیئت عمومی، این مرجع در خصوص تعهد خدمت به صورت مطلق، حق انتخاب را به متعهد می دهد و پرداخت هزینه های آموزش رایگان را در صورت استنکاف متعهد و تمایل نداشتن وی به ایفای خدمت، ممکن و مشخص می داند؛ اما خرید تعهد خدمت را «وجه التزام» تلقی می کند و منوط به صرف نظر کردن دستگاه اجرایی از نفس تعهد برمی شمرد. به تعبیری در صورتی که دانشجو در هنگام پذیرش، ملتزم به خدمت در دانشگاه یا موسسه معین شده باشد، آزادسازی مدرک وی مشروط به ایفای خدمت یا پذیرش خرید تعهدات دانش آموخته از سوی دستگاه اجرایی است.

صرف نظر از اینکه تلقی حق حبس گونه، در قبال گواهی یا مدرکی که محصول دانش و کوشش فرد است و هویت حرفه ای او را نشان می دهد از منظر تحدید حقوق و آزادی های فردی قابل تأمل است؛ به نظر می رسد این تمایز بین متعهدله خاص یا نامعین، توجیهی ندارد و مبتنی بر ملاحظات غیر حقوقی است. در واقع از منظر حقوق تعهدات، وقتی دولت در جایگاه تنها شخصیت حقوقی فراگیر در حقوق عمومی، نیاز به خدمات دانش آموخته ای را که بر مبنای ماده ۷ لایحه قانونی مذکور ملتزم به خدمت در کشور است احساس می کند، چرا نباید بتواند از حق الزام متعهد بهره گیرد؟ همچنین از طرف دیگر باید توجه داشت که استدلال هیئت عمومی دیوان در تمایز مبنایی مواد ۷ و ۸ لایحه قانونی یادشده، ناتمام است. زیرا ماده ۸ مذکور فقط نسبت به ایفای تعهد در قبال متعهدله خاص تصریح دارد و در مقام بیان این امر نیست که متعهدان آموزش رایگان که تعهدی در قبال ذی نفع معین تنظیم نکرده اند، مشمول قواعد متفاوتی هستند.

با توجه به موارد مطروحه به نظر می‌رسد که هر چند دیوان عدالت اداری اصولاً در مورد تعهد به خدمت، مقررات حقوق عمومی و حفظ آزادی‌های فردی را ملاک عمل قرار می‌دهد، اما در خصوص این لایحه قانونی (متأثر از برخی مصالح و ملاحظات عملی) قواعد و نهادهای حقوق خصوصی را به کار گرفته و مبنای استدلال خود قرار داده است.

منابع

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۸). *دایره‌المعارف حقوق مدنی و تجارت*، چاپ اول، تهران: گنج دانش.
۲. دومیشل، آندره و پی‌یر لالو می‌یر. (۱۳۷۶). *حقوق عمومی*، ترجمه ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، چاپ اول، تهران: دادگستر.
۳. شهیدی، مهدی. (۱۳۷۷). *سقوط تعهدات*، چاپ چهارم، تهران: نشر حقوق دان.
۴. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۵). *حقوق انتقالی، تعارض قوانین در زمان*، چاپ سوم، تهران: دادگستر.
۵. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۹). *حقوق مدنی نظریه عمومی تعهدات*، چاپ اول، تهران: دادگستر.
۶. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۶). *مقدمه علم حقوق*، چاپ بیست و دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
7. Flour, J; Aubert, J. Luc; Savaux, E; Andreu, L and Forti, V. (2022). **Les obligations, Le rapport d'obligation**, Sirey: 18e édition.
8. Bénabent, A. (2023). **Droit des obligations**, LGDJ: 20e édition.
9. Carbonnier, J. (1997). **Droit civil, Introduction**, Puf: 25e édition.
10. Carbonnier, J. (2000). **Droit civil, Les obligations**, Puf: 22e édition.
11. Chénéde, F. (2023). **Droit des obligations et des contrats**, Dalloz: 3e édition.
12. Julienne, M. (2022). **Régime général des obligations**, LGDJ: 4e édition.
13. Malaurie, Ph; Aynès et, L and Stoffel-Munck, Ph. (2020). **Droit des obligations**, LGDJ: 11e édition.
14. Terré, F; Simler, Ph; Lequette, Y and Chénéde, F. (2019). **Les obligations, Tome Deuxième**, Dalloz: 12e édition.